

مؤلفه های حوزه انقلابی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام

ظاهر حبیبی^۱

چکیده:

از دیدگاه حضرت امام خمینی علیه السلام حوزه انقلابی دارای عناصر و مؤلفه های است که می توان آنها را به گونه های معرفتی و رفتاری تقسیم نمود، مؤلفه های همچون، آمیختگی دیانت و سیاست، بصیرت، حضور در عرصه ها و حاکمیت فقیه عناصر هستند که نگرش و بُعد معرفتی حوزه انقلابی را ترسیم می نمایند، ولی محورهای مانند؛ روحیه خدمت گزاری، ظلم ستیزی، تهذیب نفس، استقلال و متانت و پویایی از مؤلفه های رفتاری حوزه انقلابی به شما می آیند.

واژه های کلیدی: حوزه ، انقلابی، مؤلفه ، امام خمینی ، روحانیت



مقدمه:

بدون تردید نقش کلیدی و ارزشمند حوزه های علمیه در طول تاریخ اسلام آنچنان تاثیر گذار بوده که به گواهی تاریخ، هرگاه حوزه های علمیه تشیع موفق، فعال و روبه کمال بوده، دست یافتن به اهداف بلند اسلام زودتر و باکمترین نقص حاصل شده است و هرگاه منفعلانه عمل کرده و در مسیر حرکت دچار انحراف و سستی و یا فاصله گرفتن از اصول اسلامی شده، صدماتی را بدنبال داشته که تا سالها بلکه قرن ها، جبران نشده است. از سوی دیگر هر تحول و انقلابی که در جامعه اتفاق می افتد بر اساس تفکر و اندیشه‌ی که شالوده آن را ترسیم می کند استوار است و از طرفی به خوبی می دانیم که حوزه های علمیه به عنوان مراکز علم و فرهنگ و پالایشگاه ایده ها و اندیشه ها به حساب می آیند؛ از اینرو به نظر می رسد بررسی رابطه حوزه و انقلاب و یا حوزه انقلابی حایز اهمیت باشد.

با این بیان بررسی دیدگاه حضرت امام خمینی علیه السلام که بر خواسته از متن حوزه و به عنوان یکی از استوانه های حوزه علمیه به شمار می آید و هم چنین یک روحانی مبارز و انقلابی که رهبری انقلاب اسلامی را به عهده داشته است از اهمیت خاصی برخوردار باشد، از اینرو نوشتار حاضر به بررسی مؤلفه های حوزه انقلابی از دیدگاه امام خمینی می پردازد.

مؤلفه های حوزه انقلابی

در یک نگاه کلی مؤلفه های حوزه انقلابی را از دیدگاه امام می توان در دو بخش معرفتی و رفتاری تقسیم نمود، در بخش معرفتی و تئوری، آن حوزه و روحانی‌ای که در نگاه معرفتی و شناختی‌اش نسبت به دین و جامعه اسلامی، از این عناصر و مؤلفه های بینشی برخوردار باشد، از منظر امام حوزه و یا روحانی انقلابی به حساب می آید و به عبارت دیگر حوزه‌ای که در بطن و متنش این نگاه معرفتی وجود داشته باشد حوزه انقلابی به شمار می آید.

این مختصر در این قسمت این نوشتار به بررسی عناصر این نگاه معرفتی می پردازد.

مؤلفه های معرفتی حوزه انقلابی:**(۱) جدا ناپذیری سیاست از دیانت**

ممکن است برخی تصور شان بر این باشند که میان دین و سیاست پیوند ذاتی نیست بلکه اتفاقی و تاریخی است و معتقدند که این پیوند به عنوان حادثه و واقعه اتفاق افتاد یعنی مردم زمان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به ایشان اقبال کردند و ایشان را امین خود قرار دادند و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تأسیس حکومت کرد؛ ولاً در بطن و متن آموزه های دینی دعوت به تأسیس حکومت و دعوت به تلفیق دین و سیاست نیست.

اما در اندیشه و باور امام خمینی علیه السلام پیوند میان اسلام و سیاست ذاتی است که هیچگاه از هم جدا شدنی نیست و اسلام منهای سیاست اسلام ناب نخواهد بود و همچنین سیاست غیر اسلامی نیز مطلوب و قابل قبول به شمار

نمی آید؛ از اینرو ایشان در جایی می فرماید: «دین اسلام یک دین سیاسی است. یک دینی است که همه چیزش سیاست است، حتی عبادتش.»^۲

در اندیشه امام اساس اسلام مبتنی بر سیاست الهی است و روزی نبوده که اسلام باشد و سیاست در آن جلوه نداشته باشد و پیامبر اسلام از آغاز وظیفه ای الهی خویش را با سیاست شروع کرد و امامان بعد از ایشان نیز ادامه دهنده سیاست ایشان بوده اند بطور که ارائه تصویر صحیح از اسلام بدون بُعد سیاسی آن امکان پذیر نیست، از اینرو در جای دیگر ایشان پیام آوران دین و سفیران الهی را سیاست مداران می داند که همواره در کنار دیانت به سیاست می پرداختند و در حقیقت صراط مستقیم همان دیانت توأم با سیاست است: «سیاستمداران اسلامی، سیاستمداران روحانی، انبیا- علیهم السلام- شغلشان سیاست است. دیانت؛ همان سیاستی است که مردم را از اینجا حرکت می دهد و تمام چیزهایی که به صلاح ملت است و به صلاح مردم است آنها را از آن راه می برد که صلاح مردم است که همان صراط مستقیم است.»^۳

با این بیان قرآن کتابی است که محتوای آن سیاست مدون الهی و معصومین علیهم السلام مجریان آن سیاست هستند، چنانچه آیت الله جوادی آملی که یکی از شاگردان امام است می فرماید: «قرآن کریم تبیین کننده اصول سیاست و رسول گرامی اسلام و امامان بعد از ایشان سیاستمداران واقعی و گردانندگان سیاست الهی هستند.»^۴

ایشان در جای دیگر می افزاید: «چطور می توان اقدام رسول اکرم صلی الله علیه و آله برای تشکیل حکومت اسلامی در اولین فرصت ممکن پس از هجرت و تلاش امیرالمؤمنین علیه السلام برای تصدی امر خلافت پس از رحلت آن حضرت را دید و تصویر صحیحی از اسلام منهای سیاست ارائه داد؟»^۵

باید توجه داشت که این دیدگاه امام با قطع نظر از شواهد تاریخی و دلیل عقلی آن، بر منابع نقلی معتبر و متقن نیز استوار است چنانکه در زیارت نامه «جامعه کبیره» که از امام معصوم (امام هادی علیه السلام) بدست ما رسیده و به عنوان شناسنامه امامان معصوم علیهم السلام قلمداد می شود؛ سیاست را از شؤنات و ویژگی های ائمه (علیهم السلام) بر می شمارد و آن بزرگواران را به عنوان سیاستمداران مردم و اجتماع معرفی نموده می فرماید: «آنها سیاستمداران بندگان خدا هستند.»^۶

^{۲۲} - خمینی، روح الله، صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۱۵

^۲ - خمینی، روح الله، تفسیر سوره حمد ص ۲۴۷

^۴ - جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان، ج ۱، بر گرفته از صص ۲۵۱، ۲۵۲.

^۵ - همان ص ۲۶۱

^۶ - قمی، شیخ عباس، کلیات مفاتیح الجنان، زیارتنامه جامعه کبیره و دقت شود به عبارت «ساسة العباد».

همچنین امام رضا علیه السلام در مسجد جامع مرو، در حضور جمعیتی انبوه، «آشنایی امام با سیاست» را یک از شاخصه های امامت دانسته چنین می فرماید: امام باید آشنایی با اصول سیاست، قائم به امر خدا، خیرخواه بندگان او و حافظ دینش باشد. (عالم^۷ بالسیاسة، مفروض الطاعة قائم بأمر الله عزوجل، ناصح لعبادالله، حافظ لدین الله).^۷

در نهج البلاغه نیز آمده که امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه ای خطاب به معاویه فرمود:

«شما کجا و سیاست و تدبیر امور رعیت کجا؟ شما کجا و ولایت پیدا کردن بر سرنوشته امت کجا؟»^۸

بنا بر این سیاست نه تنها از دیانت جدایی ندارد بلکه به شکل عینیت و عدم قابل انفکاک تلقی می گردد، بدین جهت این موضوع از جایگاه مهم و کلیدی نیز برخوردار است تا آنجا که دشمنان برای تضعیف این مهم به دنبال القای تفکر جدایی دین از سیاست و یا جاگزین کردن فرهنگ سکولار (جدایی دین از سیاست) پرداختند و تا حدودی نیز موفق شده اند، آنگاه حضرت امام به افشاگری این توطئه خطرناک پرداخته و آن را یکی از دام های خطرناک آنها توصیف نموده که برای تضعیف اسلام و نفوذ شان در کشور بکار گرفته می شود، امام از چنین وضعیتی احساس خطر نموده و آن را به عنوان یکی از آسیب های حوزه بر شمرده چنین می فرماید:

«استکبار وقتی که از نابودی مطلق روحانیت و حوزه ها مایوس شد، [از طرف آنها] راههای نفوذ تقویت گردید. اولین و مهمترین حرکت [آنها]، القای شعار جدایی دین از سیاست است که متأسفانه این حربه در حوزه و روحانیت تا اندازه ای کارگر شده است».^۹

از دیدگاه ایشان نه تنها ترویج جدایی دین از سیاست یکی از آسیب های جدی حوزه به شمار می آید بلکه نسبت به حوزویان که در این دام خطرناک دشمن گرفتار شده اند و قلمرو فعالیت روحانی را در معاشرت با مردم خلاصه می کنند، تعبیرات سختی دارند و آنان را ناآگاهانی می دانند که گرفتار تحمق شده اند و آنگاه از پیامد های ناگوار چنین تفکری اینگونه می گوید:

«وقتی شعار جدایی دین از سیاست جا افتاد و فقاقت در منطق ناآگاهان غرق شدن در احکام فردی و عبادی شد و قهراً فقیه هم مجاز نبود که از این دایره و حصار بیرون رود و در سیاست [و] حکومت دخالت نماید، حماقت روحانی در معاشرت با مردم فضیلت شد. به زعم بعض افراد، روحانیت زمانی قابل احترام و تکریم بود که حماقت از سراپای وجودش بیبارد و آلا عالم سیاس و روحانی کاردان و زیرک، کاسه ای زیر نیم کاسه داشت».^{۱۰}

شاگردان مکتب روح الله و تربیت یافتگان این روحانی انقلابی مانند آیت الله جوادی آملی نیز بر آمیختگی دیانت و سیاست در مکتب اسلام باور داشته و بر این اندیشه ای امام اینگونه تأکید دارد: «شعار شوم «جدایی دین از سیاست» ساخته نیرنگ سیاسیون سیاسی کار دغل باز و پرداخته جمود و جهل تسبیح به دستان عافیت طلب و

^۷ - کلینی، محمد، کافی، ج ۱ ص ۲۰۲

^۸ - نهج البلاغه نامه ۱۰ (متی کنتم یا معاویه ساسة الرعية وولاة أمر الأئمة)

^۹ - صحیفه امام، ج ۲۱ ص ۲۷۸

^{۱۰} - همان

روشنفکر نمایان غافل، وابسته یا غیروابسته، است و گر نه هیچ سیاستمدار حکیمی، سیاست را از دین جدا نمی‌داند، بلکه آن دو را کاملاً به هم پیوسته و مرتبط می‌شمرد.^{۱۱}

بنابراین در اندیشه حضرت امام کسی می‌تواند یک روحانی انقلابی و یا حوزه‌ای می‌تواند انقلابی باشد که در نگاه معرفتی و بینشی خودش چنین تعریفی از اسلام داشته باشد که اسلام و دیانت عجین با سیاست است و پیوند آن ذاتی است. به تعبیر دیگر، دین وجه اجتماعی و سیاسی دارد؛ نه این که سیاست عارض بر دین و اتفاق تاریخی باشد تا بگوییم در زمانی برای رسول الله ﷺ و در برهه کوتاه چهارساله و اندی برای امیرالمؤمنین علیه السلام اتفاق افتاد! از اینرو امام در جای دیگر با قاطعیت و سوگند از آمیخته بودن اسلام و سیاست این گونه تعبیر دارد: «والله اسلام تماش سیاست است. اسلام را بد معرفی کرده‌اند. سیاست مُدُن از اسلام سرچشمه می‌گیرد. من از آن آخوندها نیستم که در اینجا بنشینم و تسبیح دست بگیرم؛ من پاپ نیستم که فقط روزهای یکشنبه مراسمی انجام دهم و بقیه اوقات برای خودم سلطانی باشم و به امور دیگر کاری نداشته باشم. پایگاه استقلال اسلامی اینجاست».^{۱۲}

۲) حضور فعال در اجتماع

در اندیشه ای حضرت امام خمینی حضور فعال و پویا در متن جامعه و دوری از رکود و گوشه گیری از مسایل جامعه، یکی دیگر از شاخصه های حوزه انقلابی در بُعد معرفتی آن به شمار می آید و تفسیر انزواطلبانه از دین و دین‌داری، در بینش حوزه انقلابی جایگاه ندارد؛ مثلاً در بحث انتظار و مهدویت، از منظر انزواطلبانه نگاه کردن به مهدویت یک بینش است و از منظر غیرانزوا طلبانه؛ همین مهدویت و انتظار، پویایی و تحرک اجتماعی ایجاد می‌کند. این بینش و وجه معرفتی است که حوزه و روحانی انقلابی را از غیر آن متمایز ساخته و هرگز این نگاه انزواطلبانه را به دین و دین‌داری روا نمی‌دارد.

ایشان در یکی از بیانات شان تفکر انزوا طلبانه و گوشه گیری روحانیت را از عرصه های مهم جامعه، از هویت حقیقی حوزه بیگانه دانسته و افرادی که در حوزه دارای چنین اندیشه ای هستند را، روحانی نما و مقدس نما می‌دانند که از وظیفه اصلی خویش جدا مانده اند که تنها نام روحانیت و تقدس را یدک می‌کشند ، ایشان چنین تفکری را به عنوان یک مانع و مشکل در روند بالندگی حوزه انقلابی دانسته چنین می‌فرماید:

« ..مقدس‌نماها از میدان به در می‌رفت؛ ترویج تفکر «شاه سایه خداست» و یا با گوشت و پوست نمی‌توان در مقابل توپ و تانک ایستاد و اینکه ما مکلف به جهاد و مبارزه نیستیم و یا جواب خون مقتولین را چه کسی می‌دهد و از همه شکننده‌تر، شعار گمراه‌کننده حکومت قبل از ظهور امام زمان علیه السلام باطل است و...مشکلات بزرگ و جانفرسایی بودند...»^{۱۳}

^{۱۱} - ادب فنای مرقیان ، ج ۱ ، ص ۲۶۰ .

^{۱۲} - همان ج ۱ ص ۲۷۰

^{۱۳} - همان ج ۲۱ ص ۲۷۹

از دیدگاه امام تفکر انزوا طلبی و عافیت خواهی شخصی در جامعه روحانیت نه تنها غفلت از وظیفه اصلی خویش، بلکه یکی از آسیب های جدی حوزه علمیه به حساب می آید که خطرات آن دامنگیر جامعه خواهد شد، ایشان صدمات که در طول تاریخ از این طرز تفکر بر اسلام وارد شده است را چشمگیر دانسته چنین می فرماید:

«آنقدر که اسلام از این مقدسین روحانی نما ضربه خورده است، از هیچ قشر دیگر نخورده است»^{۱۴}

حضرت امام در پایان «منشور روحانیت» طلاب و روحانیون را به حضور در اجتماع برای ایفای وظیفه و فعالیت در کارهای قضایی و اجرایی دعوت نموده و آن را یک امر مقدس و ارزشمند می شمارد و کسانی که از حضور در میدان های فعالیت سیاسی - اجتماعی خود داری می ورزند را در پیشگاه خداوند مسؤل و عاری از عذر موجه می داند، لذا فرمودند:

«روحانیون و علما و طلاب باید کارهای قضایی و اجرایی را برای خود یک امر مقدس و یک ارزش الهی بدانند ... و اگر طلبه ای منصب امامت جمعه و ارشاد مردم یا قضاوت در امور مسلمین را خالی ببیند و قدرت اداره هم در او باشد و فقط به بهانه درس و بحث مسئولیت نپذیرد و یا دلش را فقط به هوای اجتهاد و درس خوش کند، در پیشگاه خداوند بزرگ یقیناً مؤاخذه می شود و هرگز عذر او موجه نیست.»^{۱۵}

در اندیشه امام حضور یک حوزوی در عرصه های اجتماعی که بدان نیاز احساس می شود در اولویت است و حتی این تقدم بر فعالیت های او در مسیر تحصیل و تدریس و نیل به اجتهاد ضروری تر می نماید تا آنجا که در صورت سهل انگاری، خود را در انتظار باز خواست سخت الهی ببیند و این نشانگر نهایت اهتمام ایشان به این موضوع به حساب می آید.

۳) آگاهی و بصیرت سیاسی

آگاهی و بصیرت به شرایط سیاسی یکی دیگر از عناصر و مؤلفه های حوزه و روحانی انقلابی است که در کلام امام دیده می شود، ایشان طلاب و روحانیون حوزه را به آگاهی و دقت در شناخت خطر و کمین گاه ها توصیه نموده و بصیرت را در انتخاب مسیر و گذر گاه ها ضروری می داند و در پیامی به روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و ائمه جمعه و جماعات چنین می فرماید:

«طلاب و روحانیون عزیز ... هدف، علم و آگاهی به نکته هاست که در انتخاب مسیر با بصیرت حرکت کنند و خطرها و گذرها و کمینگاهها را بهتر بشناسند.»^{۱۶}

ایشان بصیرت سیاسی و آگاهی از مسائل جامعه و جهان را برای یک مرجع تقلید نیز ضروری دانسته و از مرجعیتی که در کنار توان علمی در راستای استنباط مسایل شرعی، به مسایل زمان و شرایط پیرامون خویش احاطه دارد؛ به عنوان

^{۱۴} - همان ج ۲۱ ص ۲۸۱

^{۱۵} - همان

^{۱۶} - همان ج ۲۱ ص ۲۸۹

مجتهد جامع یاد می کند و علیرغم آن، ایشان بر این باور هستند که چنانچه مرجعی از چنین آگاهی و بینش سیاسی برخوردار نیست از صلاحیت و مقبولیت لازم بر خور دار نخواهد بود لذا در این مورد اینگونه می فرماید:

«مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد. برای مردم و جوانان و حتی عوام هم قابل قبول نیست که مرجع و مجتهدش بگوید من در مسائل سیاسی اظهار نظر نمی کنم. آشنایی به روش برخورد با حیلها و تزویرهای فرهنگ حاکم بر جهان... از ویژگیهای یک مجتهد جامع است».^{۱۷}

۴) حاکمیت فقیه در جامعه

باورمندی به ضرورت زعامت و حاکمیت فقیه در رأس امور جامعه یکی دیگر از مؤلفه های حوزه انقلابی از دیدگاه حضرت امام به شمار می آید، یعنی جامعه اسلامی و انقلابی بدون حاکمیت و ولایت فقیه و رهبر انقلابی جامعه نا کار آمد و فاقد ارکان اساسی قلمداد می شود زیرا بر اساس دیدگاه دانشمندان هر انقلابی دارای ارکانی است که اهم آنها به ترتیب عبارت اند از رهبر انقلابی،

پیروان انقلابی، میدان و عرصه انقلاب، و از این میان نقش کلیدی را رهبری ایفا می کند.^{۱۸}

از اینرو حضرت امام حاکمیت فقیه و ولایت او را در جامعه، بهترین اصل از اصولی می داند که در قانون اساسی گنجانده شده است، لذا چنین می فرماید: «بهترین اصل در اصول قانون اساسی این اصل ولایت فقیه است»^{۱۹} و در جای دیگر بر ضرورت این گونه تعبیر دارد: «اگر چنانچه فقیه در کار نباشد، ولایت فقیه در کار نباشد، طاغوت است. یا خدا، یا طاغوت».^{۲۰}

حضرت امام این موضوع را نیز روشن می سازد که مبدا تصور شود ولایت فقیه یک امر ساخته و پرداخته از انقلاب اسلامی است؛ بلکه این موضوع یک امر الهی و دارای سابقه ممتد از آغاز اسلام و دوران پیامبر اکرم که شاع آن تا اینجا پرتو افکنی می نماید و این نوع نگاه به اهمیت این موضوع می افزاید و نیاز جامعه به رهبر فقیه و انقلابی را شدت می بخشد، ایشان در جایی بیان داشته است: «قضیه ولایت فقیه یک چیزی نیست که مجلس خبرگان ایجاد کرده باشد. ولایت فقیه یک چیزی است که خدای تبارک و تعالی درست کرده است [و این] همان ولایت رسول الله ﷺ هست».^{۲۱}

ایشان تفکر عدم نیاز جامعه اسلامی را به ولایت فقیه از القائنات دشمنان اسلام و تبلیغات سوء بد خواهان دانسته که متأسفانه نه تنها عوام بلکه قشر تحصیل کرده اعم از حوزوی و دانشگاهی در دام آنان گرفتار شده و در فهم اسلام ناب دچار انحراف شده اند، ایشان می فرماید:

«... [دشمنان] تبلیغ کردند که اسلام دین جامعی نیست؛ دین زندگی نیست؛ برای جامعه نظامات و قوانین ندارد؛ طرز حکومت و قوانین حکومتی نیاورده است... تبلیغات سوء آنها متأسفانه مؤثر واقع شده است. الآن گذشته از عامه مردم،

^{۱۷} - همان

^{۱۸} - جوادی آملی، عبدالله، بنیان مرصوص، ص ۲۳۰ با اندک تغییر

^{۱۹} - صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۴۶۴

^{۲۰} - همان ج ۱۰ ص ۲۲۱

^{۲۱} - همان ج ۱۰ ص ۳۰۸

طبقه تحصیلکرده، چه دانشگاهی و چه بسیاری از محصلین روحانی، اسلام را درست نفهمیده‌اند و از آن تصور خطایی دارند.^{۲۲}

ایشان آن دسته از حوزویان را که راکد و غیر فعال هستند و در گوشه خزیده به قیل و قال می پردازند و در راستای روشن گری جامعه بی تفاوتند و نظریات سیاسی و جهان بینی اسلام را مطرح نمی کنند، کسانی هستند که فاقد اندیشه انقلابی بوده و خواسته و ناخواسته در ردیف همیاران دشمنان اسلام قرار گرفته اند و در واقع بی مبالاتی آنان به مقاصد شوم دشمن کمک می کند، لذا در بحث ولایت فقیه تحت عنوان «نقش استعمار در معرفی ناقص و نادرست اسلام» اینگونه می فرماید: «آخوندهایی که اصلاً به فکر معرفی نظریات و نظامات و جهان بینی اسلام نیستند، و عمده وقتشان را صرف کاری می کنند که آنها می گویند و سایر کتابهای [«فصول»] اسلام را فراموش کرده‌اند...تقصیر دارند؛ مگر خارجیها تنها مقصرند؟ البته بیگانگان برای مطامع سیاسی و اقتصادی که دارند از چند صد سال پیش اساس را تهیه کرده‌اند؛ و به واسطه اهمالی که در حوزه‌های روحانیت شده موفق گشته‌اند. کسانی در بین ما، روحانیون، بوده‌اند که ندانسته به مقاصد آنها کمک کرده‌اند».^{۲۳}

از اینرو امام خود در نهادینه کردن اندیشه ضرورت ولایت فقیه در نظام اسلامی، انقلابی را آغاز نموده و حوزویان را به این حرکت فرا می خواند، ایشان در آغاز برای ایجاد و روی کار آمدن حکومت اسلامی که در رأس آن حاکم فقیه قرار گیرد از وظایف حوزه و روحانیت دانسته و آنان را برای مبارزه با مخالفین و موانع آن فرا خوانده و در بیان تحت عنوان «برنامه های مبارزه برای تشکیل حکومت اسلامی» می فرماید:

«ما موظفیم برای تشکیل حکومت اسلامی جدیت کنیم. ...وظیفه ما این است که از حالا برای پایه‌ریزی یک دولت حقه اسلامی کوشش کنیم؛ تبلیغ کنیم؛ تعلیمات بدهیم؛ همفکر بسازیم؛ یک موج تبلیغاتی و فکری به وجود بیاوریم؛ تا یک جریان اجتماعی پدید آید، و کم کم توده‌های آگاه وظیفه‌شناس و دیندار در نهضت اسلامی متشکل شده، قیام کنند و حکومت اسلامی تشکیل دهند».^{۲۴}

ایشان در بیان دیگر حوزه های علمیه را به وظیفه مهم فرا می خواند تا مردم و جامعه را با این بینش و نگرش مهم اسلامی آشنا سازد: «امروز حوزه قم، حوزه مشهد، و حوزه‌های دیگر موظفند که اسلام را ارائه بدهند و این مکتب را عرضه کنند. مردم اسلام را نمی‌شناسند. شما باید خودتان راه، اسلامتان راه، نمونه‌های رهبری و حکومت اسلامی راه، به مردم دنیا معرفی کنید».^{۲۵}

از بیانات حضرت امام به خوبی استفاده می شود که اگر چنانچه حوزه و روحانی که در بینش و اندیشه او ضرورت زعامت فقیه در جامعه نهادینه نشده باشد و یا جایگاه روحانیت و عرصه فعالیت این قشر را در مساجد و پاسخگویی به مسایل شرعی محدود کند، دانسته و نادانسته در سلک همیاران دشمن قرار گرفته و چنین حوزه و یا روحانی از ویژگی انقلابی بودن بی بهره خواهد بود زیرا با چنین رویکردی نیازی به مبارزه و انقلاب در مقابل استکبار احساس نخواهد شد.

^{۲۲} - خمینی، روح الله، ولایت فقیه صص ۱۰ و ۱۱

^{۲۳} - همان ص ۱۲۷

^{۲۴} - همان ص ۱۲۷

^{۲۵} همان

مؤلفه های عملی حوزه انقلابی

محورهای فوق شاخصه های اصلی بخش معرفتی حوزه انقلابی به شمار می آیند . هر تفکر و اندیشه ای زمانی معنای کامل خود را پیدا می کند که عرصه رفتار و عمل ظهور پیدا کند و از مرحله تئوری بیرون آمده، جامه عمل در بر گیرد و یا به عبارتی فقط در حالت کُمای نظریه پردازی باقی نماند، بلکه مبتنی بر آن بینش رفتار و روش را در پیش گیرد. از اینرو در بُعد رفتاری و عملکردها نیز برخی ویژگی ها و مؤلفه های هستند که با آن معیارها می توان حوزه انقلابی را از غیر آن مورد شناسایی قرار داد:

۱) روحیه خدمت گذاری به مردم

یکی از عناصر حوزه و روحانی انقلابی از دیدگاه امام روحیه خدمت گذاری به مردم و جامعه است و از دیدگاه ایشان گستره فعالیت حوزه فقط در بستر فکر و اندیشه و تولید علم و تقوای فردی و معنویت گرایی فردی خلاصه نمی شود؛ بلکه حوزه باید برای جامعه روحیه خدمت گذاری داشته باشد و حوزویان کمر همت عمل و خدمتگزاری به مردم را محکم بسته و به میدان عمل آیند و براساس وظیفه حوزوی خویش مسئولیت خویش را بر انجام برسانند و حوزه ها نیز طلاب خویش را با این رویکرد پرورش دهند.

ایشان در یکی از سخنرانی هایش خطاب به روحانیون نموده و آنها را خدمتگزاران دلها و قلوب مردم دانسته می فرماید:

«روحانی، خدمتگزار ارواح و قلوب مردم است، شما روحانی هستید، روحانی باید خدمتگزار ارواح مردم باشد؛ قلوب مردم را حفظ بکنند. شماها مأمورید که قلبهای مردم را حفظ بکنید».^{۲۶}

در این فراز از صحبت امام خدمت گذاری به ارواح و قلب های مردم اشاره شده است، به نظر می رسد که رضایت دلهای مردم با شعار و گویش بدست نمی آیند بلکه با رفتار و عملکرد یک روحانی در عرصه عمل به دست می آیند، لذا خود ایشان که یک روحانی مبارز و انقلابی و مجسمه علم و عمل بود در جمعی اینگونه فرمود: «ما همه مکلفیم که بر ضد این (شاه) قیام کنیم؛ قیام قلمی، قیام قولی. هر وقت هم که شد، قیام به سلاح. هر وقت، وقت پیدا کردیم اول کسی که سلاح را به دوشش بگیرد خود منم».^{۲۷}

ایشان به این گونه روحیه عشق می ورزید و دوست داشت بجای اینکه از ایشان با عنوان رهبر و امام یاد شود خدمتگزار و خادم ملت گفته شود و در جایی با کمال افتخار فرمود:

«اگر به من بگویند خدمتگزار، بهتر از این است که بگویند رهبر».^{۲۸} جالب این که در بینش حضرت امام خدمت گذاری به مردم از باب لطف و منت گذاری نیست بلکه بالاتر از آن از باب وظیفه و مأموریت الهی است که در

^{۲۶} - صحیفه امام ، ج ۹ ص ۴۷۹

^{۲۷} - همان ج ۳، ص ۴۱۵

^{۲۸} - انصاری ، حمید ، حدیث بیداری ص ۱۸۶

صورت کوتاهی و غفلت پیشگاه خداوند مسئول خواهد بود از اینرو در ادامه می فرماید: «رهبری مطرح نیست، خدمتگزاری مطرح است. اسلام، ما را موظف کرده که خدمت بکنیم.»^{۲۹}

این روحیه آن چنان در وجود ایشان موج می زند که حتی همان عنوان رهبری امت را به معنای خدمت گذاری به ملت تفسیر نموده است و به این روحیه تا آنجا وابسته است که خستگی و نقطه پایان برای آن نمی شناسد و تا آخرین لحظه حیات بر آن مصمم است و بدین لحاظ در یکی از سخنرانی های شان در جمع دانش آموزان قم و تهران اعلام می دارد:

«من آمده‌ام تا پیوند خدمتگزاری خودم را به شما عزیزان عرضه کنم که تا حیات دارم خدمتگزار همه هستم.»^{۳۰}

شکی نیست ارزش عمل انسان بر اساس نیت و اهداف استوار است و ابعاد رفتاری او نیز در میدان عمل با رویکرد نیل بر اهداف بروز و ظهور پیدا می کند، حضرت امام هدف از آمدن ایشان به کشور ایران و به دست گرفتن رهبری جامعه را خدمت گذاری به مردم تفسیر نموده می فرماید:

«من از خدای تبارک و تعالی توفیق همه را می خواهم. من از بیرون آمده‌ام که خدمت به شما بکنم. من خادم شما هستم، من خادم ملت شما هستم. من آمده‌ام که بزرگواری شما را حفظ کنم.»^{۳۱}

روحانیت شیعه امروز اگر از این جایگاه و منزلت اجتماعی برخوردارند و بین توده‌های مردم جایگاه خوبی دارند و مردم با نگاه امینان و دلسوزان جامعه به آنان نگریسته و مورد احترام قرار می دهند، ناشی از روحیه خدمت گذاری شان بوده به قسم که روحانیت ملجأ و پناه مردم بوده است و بسیاری از خیرات اجتماعی به دست روحانیت مرجعیت در بستر جامعه جریان پیدا می کرده است و شخصیت مثل رهبر کبیر انقلاب و مرجع تقلید شیعیان جهان به خدمتگذاری مردم افتخار می کند و این روحیه در سراسر زندگی پر افتخار شان موج می زند.

۲) روحیه ظلم ستیزی

مبارزه با ظلم و روحیه استکبار ستیزی یکی دیگر از شاخصه های حوزه انقلابی می باشد به این معنی که حوزه ای می تواند انقلابی باشد که دارای روحیه دستگیری از مظلومان و اهل مبارزه با ستمگران باشد.

از منظر حضرت امام حوزه‌ی که روحیه ظلم ستیزی دارد و همواره برای آرمان هایش استقامت دارد حوزه ای است که افزون بر اینکه خود در تاریخ زنده خواهد ماند؛ احیاگر جامعه و بشریت در راستای ارزشها و انسانیت خواهد بود، ایشان برای آن حوزه‌های که از چنین روحیه ای برخوردار نیست ابراز تأسف نموده و آنها را فاقد تحرک و پویایی می داند، از اینرو در رابطه با حوزه علمیه قم و نجف که دو روحیه ای متفاوت حاکم بود چنین می نویسد:

^{۲۹} - حدیث بیداری ص ۱۸۶

^{۳۰} - صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۴۷۲

^{۳۱} - همان، ج ۶ ص ۴۹

«حوزه قم زنده کرد ایران را، حوزه قم خدمتی به اسلام کرده است که تا صدها سال دیگر این خدمت باقی است. کم نشمرید آقایان این را. دعا کنید به حوزه قم؛ و دعا کنید ما هم این جور بشویم. صدها سال دیگر هم اسم حوزه قم در تواریخ هست، و ما مرده‌ها را دفن کرده است. (اشاره به جو سکوت در حوزه نجف) حوزه علمیه قم زنده کرد اسلام را».^{۳۲}

در جای دیگر می افزاید:

«حوزه قم حوزه زنده است. کشته می‌دهد، ... طلبه قم کشته می‌دهد و ایستاده است و لهذا زنده است. اصلاً در اذهان مردم، هر چی هست قم است؛ و من برای نجف متأسفم. من قمی هستم اما برای نجف متأسفم».^{۳۳}

از دیدگاه رهبر کبیر انقلاب حوزه‌های علمیه سنگرهای هستند که سنگر بانان آن روحانیون و علماء اند که با شجاعت و شهامت تمام از اسلام و ارزش‌های آن دفاع می‌کنند و در مقابل دشمن سینه سپر نموده‌اند، ایشان در پیامی به علماء و روحانیون چنین خطاب می‌کند: «ای محصلین علوم دینیه! ای فضلا و روحانیون حوزه‌های مقدسه بخصوص حوزه مقدسه قم! از این اهانتها و آزارها نهراسید. شما که امروز پاسداران اسلام و قرآنید وظیفه دارید این سنگر مهم را که آماج تیر اجانب و عمال آنهاست، حفظ نمایید».^{۳۴}

ایشان حوزه و روحانیتی که روحیه ظلم ستیزی را ندارد بلکه با ستمگران دست صلح و دوستی دراز کند در حقیقت دست به خودکشی و انتحار زده است و این یک خطر مهم است لذا وقتی از طرف دولت علم پیشنهاد مذاکره و سازش داده می‌شود، ایشان با قاطعیت تمام آن را رد نموده و در پاسخ چنین می‌نگارد: «مادامی که این دولت علم مصدر کار است، داخل هیچ قسم مذاکره صلح و مصالحه‌ای نخواهیم شد؛ زیرا این دولت به ترتیبی با اهل علم معامله کرده است، که تماس سران حوزه علمیه همراه او انتحار روحانیت است؛ و تا آنجا که اختیار روحانیت با ماست، تن به چنین صلح و اصلاحی نخواهیم داد».^{۳۵}

همچنین ایشان روحانیون که روحیه ظلم ستیزی ندارند و دامن تقدس مآبانه خودشان را از اوضاع جامعه و مبارزه با ظلم و ستم برچیده و در گوشه خزیده‌اند و یا با دستگاه ظالم وابستگی دارند متحجرین روزگار و عناصر مضر در راهبرد جامعه اسلامی و حوزه انقلابی می‌دانند، لذا می‌فرماید: «روحانیون وابسته و مقدس نما و تحجرگرا هم کم نبودند و نیستند. در حوزه‌های علمیه هستند افرادی که علیه انقلاب و اسلام ناب محمدی فعالیت دارند.

^{۳۲} - همان ج ۳ ص ۳۳۸

^{۳۳} - همان ج ۳ ص ۳۹۴

^{۳۴} - همان ج ۲ ص ۴۵۲

^{۳۵} - همان ج ۱ ص ۱۹۲

امروز عده‌ای با ژست مآبی چنان تیشه به ریشه دین و انقلاب و نظام می‌زنند که گویی وظیفه‌ای غیر از این ندارند. خطر تحجرگرایان و مقدس نمایان احمق در حوزه‌های علمیه کم نیست.^{۳۶}

حضرت امام حوزویان را که از مبارزه با ستم کاران ترسیده اند به قسم که قلمرو فعالیت و وظیفه دینی شان را در مسأله گویی و دعا منحصر نموده و گوشه گیری از مسائل سیاسی جامعه برگزیده اند، فریب خوردگان بیگانه و این تفکر را محصول تلاش های آنها می دانند و به عبارتی آنها عناصر مضر و انگل های جامعه هستند که سستی و تنبلی را به مردم تزریق نموده و مانع رشد جامعه می گردند از اینرو در بیانی می فرماید: «بعضی را می بینیم که در حوزه‌ها نشسته به گوش یکدیگر می خوانند که این کارها از ما ساخته نیست. چکار داریم به این کارها؟ ما فقط باید دعا کنیم و مسأله بگوییم. این افکار آثار تلقینات بیگانگان است. نتیجه تبلیغات سوء چند صد ساله استعمارگران است که در اعماق قلوب حوزه نجف و قم و مشهد و دیگر حوزه‌ها وارد شده، و باعث افسردگی و سستی و تنبلی گردیده و نمی‌گذارد رشدی داشته باشند».^{۳۷}

در جای دیگر چنین افرادی را آخوند های درباری نامیده که لیاقت لباس مقدس روحانیت و حوزه علمیه را نداشته اند و باید اصلاح گردند: «افکار جماعت مقدس نما که مردم را از داخل حوزه‌های روحانیت، از اسلام و اصلاحات اجتماعی بازمی‌دارند، اصلاح شود؛ آخوندهای درباری که دین را به دنیا می‌فروشند از این لباس خارج و از حوزه‌ها طرد و اخراج شوند».^{۳۸}

بنا بر این از منظر حضرت امام بین حوزه و ظلم ستزی یک نوع پیوند ناگسستنی بر قرار است به نحوی که حوزه انقلابی را با این معیار باید شناخت و حوزویان که روحیه انقلابی ندارند و به بیان دیگر عافیت طلبانی هستند که دامن از مسائل سیاسی جامعه بر چیده و متحجرانه به گوشه ای خزیده اند؛ افزون بر اینکه به وظایف دینی و الهی شان عمل نکرده و مسئول پیشگاه خداوند هستند، عناصر نا کار آمد بلکه مضر جامعه به حساب می آیند که انگل وار مانع رشد و اصلاح جامعه می شوند و سزاست که آنان از این لباس مقدس بیرون آیند.

۳) استقلال و خود سامانی

استقلال و خود سامانی حوزه یکی دیگر از مؤلفه های حوزه انقلابی به شمار می آید، زیرا در صورت وابستگی حوزه ها به حکومت ها و یا بیگانگان، خاصیت حق مداری و حق گویی را از دست خواهد داد و در طول تاریخ این مزیت ممتاز حوزه های شیعی بوده است و این ویژگی از چنان اهمیتی برخوردار است که می توان آن را «رمز بقاء» حوزه‌ها دانست، چنانکه حضرت امام در پیام تحت عنوان «عدم امکان زوال حوزه» می فرماید:

^{۳۶} - همان ج ۲۱ ص ۲۷۸

^{۳۷} - ولایت فقیه ص ۱۳۸

^{۳۸} - همان ص ۱۳۷

«مسئله زوال حوزه در کار نیست؛ حوزه سر جایش باقی خواهد بود. و صرف نظر از جنبه های معنوی و الهی، اصولاً از نظر موازین طبیعی هم زوال حوزه های علمیه ممکن نیست؛ زیرا حوزه ها مورد توجه تمام مسلمین بخصوص شیعه می باشد و پشتوانه آن، ملتها هستند، و آنچه ملتها پشتیبان آن باشند دولتها نمی توانند با آن مبارزه کنند».^{۳۹}

از مفهوم کلام امام به خوبی استفاده می شود که اگر حوزه های علمیه استقلال خود را از حکومت ها و بیگانگان حفظ کند زوال آن غیر ممکن خواهد بود، ولی باید ملت ها را داشت زیرا هدف حوزه های علمیه خدمت، اصلاح و دلسوزی برای ملت و آحاد جامعه است و از اینرو یگانگی بین ملت و حوزه بر قرار است تنها موقعیت ها فرق می کند به این معنی که حوزویان دلسوزانه مسئولیت هدایت و اصلاح جامعه و همچنین مبارزه با موانع را به عهده دارند و ملتها مسئولند خود را در این مسیر هدایت قرار دهند و اگر حوزه و روحانیت استقلال خود را از دست داد و در خدمت حکومت ها قرار گرفت دیگر انتظار نباید داشت که روحیه انقلابی در آن حوزه زنده است تا ندای آزادی از حلقوم حوزویانش بیرون آید؛ زیرا این حوزه دیگر به ماهیت خود باقی نمانده است.

بر تأیید این فرمایش امام، در طول تاریخ شاهدیم که حوزه های علمیه شیعی نهادی واقعاً مردمی و برخاسته از متن مردم و در خدمت مردم بوده است و چون از استقلال و عدم وابستگی ها بر خوردار بوده توانسته در مقابل انواع و اقسام مشکلات و دشمنی ها مقاومت کرده و استوار و برقرار، به حیات خود استمرار بخشد و در انقلاب شکوهمند اسلامی ایران نیز همین حوزه با همین روحیه ای ظلم ستیزی آغاز گر مبارزه با رژیم ستم شاهی بوده و در تاریخ نقش آفرین باشد چنانچه حضرت امام در بیانی به نقش مهم و حیاتی حوزه انقلابی قم در انقلاب اسلامی اشاره نموده می فرماید: «حوزه قم زنده کرد ایران را، حوزه قم خدمتی به اسلام کرده است که تا صدها سال دیگر این خدمت باقی است».^{۴۰}

از اینرو حضرت امام راحل نسبت به نحوه اداره حوزه های علمیه شیعه؛ معتقد به همان روش سلف صالح یعنی خودسامانی و استقلال مدیریتی بوده و به حفظ این عنصر مهم حوزه انقلابی اهتمام داشته است، لذا ایشان در پیامی که به مناسبت چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی صادر کردند، به نقش فعال روحانیت و حوزه در انقلاب اشاره نموده و به همین روحیه انقلابی حوزه و استقلال مدیریتی حوزه می گوید: «یکی از امور مهمی که مورد توجه بزرگان و علمای حوزه علمیه قم بوده است... ایجاد نظم و انضباط در حوزه هاست... که به عهده همه خصوصاً فضلا و علما و مدرسین می باشد و با همکاری جدی همگان و با تأیید مراجع معظم می تواند جامه عمل پوشد در این زمان که حوزه های علمیه و روحانیون معظم در پیشبرد مقاصد اسلام و تحکیم جمهوری اسلامی نقش بسیار مؤثری دارند، شک نیست که قدرتمندان و قدرت طلبان بیکار ننشسته اند، بلکه در تلاشند تا این قدرت فعال را تضعیف کنند».^{۴۱}

ایشان در وصیت نامه الهی سیاسی خویش توجه به این مهم را توسط خود حوزویان ضروری دانسته و بر صیانت آن از آسیب ها تأکید می کند: «وصیت این جانب آن است که در همه اعصار خصوصاً در عصر حاضر

^{۳۹} - صحیفه امام ج ۲ ص ۴۱۱

^{۴۰} - همان ج ۳ ص ۳۳۸

^{۴۱} - همان ج ۱۶ ص ۴۶

که نقشه‌ها و توطئه‌ها سرعت و قوت گرفته است، قیام برای نظام دادن به حوزه‌ها لازم و ضروری است؛ که علما و مدرسین و افاضل عظیم الشان صرف وقت نموده و با برنامه دقیق صحیح حوزه‌ها را و خصوصاً حوزه علمیه قم و سایر حوزه‌های بزرگ و با اهمیت را در این مقطع از زمان از آسیب حفظ نمایند.^{۴۲}

حضرت امام در جای دیگر نیز به نظم و سامان بخشی حوزه‌های علمیه توسط خود حوزویان تأکید نموده و هشدار می‌دهد که اجازه ندهید تا دیگران از بیرون بیاید در نظم و امورات حوزه دخالت کند لذا می‌فرماید: «در حوزه‌های علمیه نظم و انضباط برقرار سازید؛ نگذارید دیگران بیایند حوزه‌ها را منظم کنند».^{۴۳}

این نوع بیان، از جدیت و نگاه ژرف امام نسبت به استقلال و خود سامانی حوزه حکایت دارد به این معنی که ایشان علاوه بر اینکه اهتمام روحانیون نسبت به نظم و انضباط حوزه را اشاره می‌نماید، صیانت و ایستادگی آنان در مقابل نفوذ و دخالت دیگران را نیز تأکید می‌نماید.

حضرت امام که به این عنصر مهم حوزه انقلابی توجه ویژه دارد، حوزویان را از امور همچون اختلاف، دنیا زدگی و... که نسبت به حفظ استقلال روحانیت و حوزه‌های علمیه آسیب وارد می‌کند، به شدت بر حذر داشته و بر ایجاد نظم، کنار گذاشتن اختلاف‌ها، تهذیب نفس و... دعوت می‌نماید، به عنوان نمونه در یک از بیانات شان می‌فرماید: «اگر شما منظم و مهذب شوید، همه جهات شما تحت نظم و ترتیب باشد، دیگران به شما طمع نمی‌کنند؛ راه ندارند که در حوزه‌های علمیه و جامعه روحانیت نفوذ کنند».^{۴۴}

۴) تهذیب و خودسازی

تهذیب و معنویت یک دیگر عوامل مهم حوزه علمیه کارا و انقلابی است، حوزویان که از این مهم تهی و بی بهره باشند نه تنها باعث پیشرفت و شکوفایی آن نخواهند شد بلکه [چنانچه از دیدگاه حضرت امام نیز بدان اشاره شد؛^{۴۵}] باید به عنوان یک خطر جدی برای حوزه و جامعه تلقی گردند، بدین جهت حضرت امام (ره) در مورد برنامه‌های تهذیبی حوزه‌های علمیه و طلاب علوم دینی سفارش‌ها و البته دغدغه‌های زیادی داشتند، تا جایی که به صراحت فرمودند: «برنامه‌های اخلاقی و اصلاحی، کلاس تربیت و تهذیب، آموختن معارف الهیه، که مقصد اصلی بعثت انبیا علیهم السلام می‌باشد، باید در حوزه‌ها رایج و رسمی باشد. متأسفانه در مراکز علمی به این گونه مسائل لازم و ضروری کمتر توجه می‌شود».^{۴۶}

از منظر امام حوزه علمیه ای که شاگردانش در بُعد تهذیب نفس و خود سازی و به عبارتی دیگر در میدان جهاد اکبر پیروز اند، می‌توانند در عرصه‌های جهاد و مبارزه با دشمن بیرونی موفق باشند و اگر خود در دام هواهای

۴۲ - خمینی، روح الله، وصیت نامه الهی سیاسی ص ۵۳

۴۳ - خمینی، روح الله، جهاد اکبر ص ۶۱

۴۴ - همان ص ۶۱

۴۵ - صحیفه امام ج ۲۱ ص ۲۷۸، و ولایت فقیه ص ۱۳۸

۴۶ - همان ص ۱۱

نفسانی و انگیزه های ناچیزی دنیوی گرفتار باشند حریف اهریمنان بیرونی نخواهند شد و در نتیجه در میدان انقلاب موفق نخواهند بود، ایشان می فرماید:

«عالم سوء، عالم متوجه به دنیا، عالمی که در فکر حفظ مسند و ریاست باشد، نمی تواند با دشمنان اسلام مبارزه نماید. قدم را الهی کنید، حبّ دنیا را از دل بیرون نمایید، آن وقت می توانید مبارزه کنید».^{۴۷}

این بیان امام به خوبی روشن می سازد که انسان ها بویژه روحانیت، قبل از آنکه خودشان را برای مبارزه با دشمنان بیرونی آماده نمایند؛ بایستی از میدان انقلاب و مبارزه با دشمن درونی که همان شهوات و هواهای نفسانی مانند دنیا زدگی، ریاست پرستی شهرت طلبی و... است پیروز و فایق بیرون آمده باشند و الا از کسانی که روح شان اسیرند و برای نجات خودشان مانده اند، انتظار روحیه آزاد انقلابی و نجات جامعه نمی رود ، به قول «شهید علامه بلخی» یکی از روحانیون انقلابی :

بگذر از شیخ گر از نفس به سر کرده لجام حرف آزادی از این رخس مُلجَم مَطَلَب^{۴۸}

حضرت امام که این انقلاب عظیم را آغاز کرد و به پیروزی نایل آمد یکی از علل موفقیت ایشان تهذیب روحیه آزاد و عدم تعلق ایشان به امور مادی و دنیوی بود، آیت الله جوادی آملی در کتاب «بنیان مرصوص» که از ویژگیهای حضرت امام می گوید اینگونه می نگارد:

«...[ایشان] هرگز به این فکر نبود که به ثروتمندان و زراندوزان دنیا نزدیک شود؛ یا آنها را از نزدیک بپذیرد و از این راه برای خود درآمدی تهیه کند... هرگز از اقبال و ادبار طلاب نه لذت می بردند و نه احساس رنج می کردند. طلاب شیفته محضر ایشان، گذشته از مقام علمی، جذب فولاد منشی، استقلال، آزادخواهی و روح سرشار و بلند حکیمانه ایشان بودند».^{۴۹}

حضرت امام افزون بر اینکه خود یک رهبر و روحانی انقلابی و مهذب بود؛ در تربیت شاگردان مهذب با روحیه مستقل انقلابی نیز اهتمام می ورزید و روحیه دنیا زدگی حوزویانی را که در بند مادیات و وابستگی های دنیوی گرفتار بودند به شدت سر کوب می نمود، آیت الله جوادی آملی که خود از شاگردان ایشان است در باره این نوع از سیره ایشان چنین می افزاید:

«سیره استاد عالی مقام، حضرت امام خمینی علیه السلام آن بود که شاگرد، آزاد اندیش و مستقل باشد، چرا که خود آزادمنش و مستقل بود. ایشان روش افرادی را که می کوشیدند انس با عوام و تحصیل درآمدهای دنیایی از راه

^{۴۷} - همان ص ۷۱

^{۴۸} - بلخی، سید اسماعیل ، دیوان بلخی، ج ۱ ص ۲۷

^{۴۹} - بنیان مرصوص، صص ۴۳ و ۴۴

ارتباط با آنها را نوعی کمال و نبوغ بدانند، به شدت محکوم می‌کرد و در درسها عموماً و در موعظه‌های پایان درس خصوصاً این روش را می‌کوبید.^{۵۰}

بنابر این یک از مؤلفه های حوزه انقلابی آن است که تربیت شدگانش از روحیه مبارزه با دشمن برخوردار باشند و قبل از مقابله با دشمن بیرونی در انقلاب با اهریمن درونی بکوشند و در بُعد معنویت و تهذیب نفس اهتمام داشته باشند.

ایشان در بیان که وظایف طلاب و روحانیون را تشریح می‌کند وظیفه آنان را در تعلیم و تحصیل منحصر نمی‌داند بلکه در کنار فراگیری علم ودانش، اهتمام به تهذیب را نیز تأکید می‌کند، ایشان در در دیدار که با طلاب و روحانیون داشتند فرمودند:

«شما که امروز در این حوزه ها تحصیل می‌کنید و می‌خواهید فردا رهبری و هدایت جامعه را به عهده بگیرید، خیال نکنید تنها وظیفه شما یادگرفتن مشتی اصطلاحات می‌باشد، وظیفه های دیگری نیز دارید. شما باید در این حوزه ها خود را چنان بسازید و تربیت کنید که وقتی به یک شهر یا ده رفتید، بتوانید اهالی آنجا را هدایت کنید و مهذب نمایید. از شما توقع است که وقتی از مرکز فقه رفتید، خود مهذب و ساخته شده باشید».^{۵۱} در جای دیگر نیز افزودند: «وقتی وارد حوزه می‌شوید، پیش از هر کار باید در صدد اصلاح خود باشید. و مادامی که در حوزه به سر می‌برید، ضمن تحصیل باید نفس خود را تهذیب کنید».^{۵۲}

البته این شاخصه و معیار بر اساس آموزه های عمیق اسلامی به دست ما رسیده که حضرت امام به مقتضای آن دقیق عمل می‌نماید، زیرا بیان نورانی از حضرت امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه آمده که پیشگامان جامعه باید اول از خود شروع کنند تا بتوانند جامعه را هدایت و رهبری نمایند: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لْيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ»^{۵۳} هر کس خود را به پیشوایی مردم گمارد، باید پیش از تعلیم دیگری نخست به تعلیم خود پردازد و به جای آن که به گفتار، دیگری را تربیت کند، باید به رفتار ادب کننده او باشد».

چنانچه اشاره شد که روحانیت برآمده از متن جامعه است ولی موقعیتش هدایت مردم و الگو قرار گرفتن برای ملت است و این خیل مهم و حیاتی است؛ زیرا در جامعه نقش الگویی و جایگاه محوری دارد که باید بیش از دیگران و پیش از مردم در عرصه فعالیت و عمل به میدان آید و به عبارت دیگر، چرخه زندگی او بر اساس دستورات الهی باید زود تر و دقیق تر بچرخد تا دیگران نیز پیرامون آن به گردش در آیند و روند زندگی شان برابر آن محور و الگوی شایسته تنظیم نمایند.

^{۵۰} - همان ص ۴۳

^{۵۱} - همان ص ۱۲

^{۵۲} - همان ص ۲۱

^{۵۳} - حکمت ۷۳

۵) متانت و پویایی

در عرصه های علمی فهم مطالب و تفقه در دین یک اصل است ولی پویایی و تطبیق آن بر نیازهای روز جامعه یک امر لازم و ضروری دیگر است و این ضرورت در جامعه که محوریت با ولایت فقیه است مضاعف دیده می شود از اینرو بایستی بنای اینگونه نظام که ولی فقیه و مجتهد جامع الشرایط در رأس امور آن قرار دارد مبتنی بر اصول محکم و پویا و کارآمد معماری شده باشد که هم از استحکام لازم بر خوردار باشد و هم با شرایط زمان پیش رود تا نیازهای جامعه بی پاسخ روی زمین نماند، حضرت امام که خود طلایه دار این انقلاب شکوهمند بود، نظام مبتنی بر ولایت فقیه را بسیار محکم و کارآمد بنیان گذاری نمود، چنانکه آیت الله جوادی آملی می گوید:

«حضرت امام خمینی رحمته الله علیه نه تنها «مهندس اسلام» بود، بلکه «معمار اسلام» نیز بود: ایشان نه تنها فهمید که دین چه می گوید، بلکه کوشید تا دین را از صفحه کتاب به درآورد و در صحنه جامعه اجرا کند. امام امت رحمته الله علیه معماری بود که بر اسلوب هندسه اسلام شناسی، ساختمان عظیمی را پی افکنی کرد و به پایان رساند و همه دیوارها و سقفهای آن را چون «بنیان مرصوص» ساخت.»^{۵۴}

در اندیشه حضرت امام افزون بر اینکه ضرورت تفقه و تعمق در بنیه های علمی مهم می نماید، بایستی در کنار آن به اجتهاد و پویایی آن بر اساس مقتضیات زمان و مکان نیز نگریسته شود و ایشان بارها در بیانات شان به این دو عنصر مهم حوزه اشاره نموده است. در همین رابطه، در منشور روحانیت که در اسفند سال ۱۳۶۷ از سوی آن بزرگوار صادر گردید، آمده است: «در مورد دروس تحصیل و تحقیق حوزه ها، اینجانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم و تخلف از آن را جایز نمی دانم. اجتهاد به همان سبک صحیح است ولی بدان معنا نیست که فقه اسلام پویا نیست، زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند.»^{۵۵}

ایشان در کنار نظام و انقلاب اسلامی حوزه ای را لازم می داند که در عین متانت، پاسخگویی نیازها و پرسش های جدید و به روز جامعه باشد، یعنی حوزه انقلابی حوزه ای است که جامع به علوم اسلامی - با برجستگی فقاقت - و اجتهاد به معنای پویایی و روز آمد آن توجه دارند که اگر این گونه شود آنگاه «حکومت و جامعه» درست شناخته خواهد شد و براساس آن شناخت، نظام اسلامی می تواند هدف اساسی که «چگونگی پیاده کردن اصول محکم فقه در عمل فرد و جامعه است» محقق شود و آن وقت است که «فقه و اجتهاد» جنبه عینی و عملی پیدا نموده و قدرت دفاع از خویش و پاسخگویی نیازها را خواهد داشت .

لذا در نامه ای که به منشور برادری مشهور شده است در همین رابطه می خوانیم: «در حکومت اسلامی همیشه باید باب اجتهاد باز باشد و طبیعت انقلاب و نظام همواره اقتضا می کند که نظرات اجتهادی - فقهی در زمینه های مختلف ولو مخالف با یکدیگر آزادانه عرضه شود و کسی توان و حق جلوگیری از آن را ندارد.»^{۵۶}

^{۵۴} - بنیان مرصوص، ص ۹۲

^{۵۵} - صحیفه امام ج ۲۱ ص ۲۸۹

^{۵۶} - همان ج ۲۱ ص ۱۷۷

در پایان اینکه برخی از شاخصه های دیگر نیز برای حوزه و روحانی انقلابی در کلام و بیانات حضرت امام دیده می شود که متفرع بر این اصول و برگشت به همین عناصر دارند.

نتیجه:

از دیدگاه حضرت امام حوزه انقلابی مبتنی بر اصول و مؤلفه های است که در صورت فقدان یکی از آنها هویت اصلی حوزه انقلابی قابل ترسیم نخواهد نخواهد بود.

در بُعد معرفتی حوزه انقلابی نخست تلفیق سیاست و دیانت بسیار پر رنگ جلوه می کند به قسم که ارائه تصویر واقعی اسلام منهای سیاست غیر ممکن دیده می شود، البته این آمیختگی اتفاقی و تاریخی نبوده بلکه از آغاز این دو مقوله توأمان بوده است.

از دیدگاه امام نگاه مسئولیت پذیری و حضور فعال در اجتماع شاخصه دیگری از حوزه انقلابی است به قسم که تفکر انزوا طلبی و گوشه گیری حاکم بر حوزه نه تنها از حیات لازم برخوردار نیست بلکه مانع جدی برای حیات و رشد جامعه تلقی می گردد.

در حوزه معرفتی، بصیرت و آگاهی از خطرات و نیرنگ های پیچیده دشمن یکی دیگر از معیار های اصلی حوزه انقلابی به شما می آید که نباید از آن غفلت ورزید.

باورمندی به زعامت ولایت فقیه یکی از ارکان مهم حوزه انقلابی به شمار می آید که البته بر اساس دیدگاه امام، این موضوع یک امر پدید آمده از انقلاب اسلامی ایران نیست بلکه امتداد ولایت رسول خدا و ائمه معصومین علیهم السلام تلقی می گردد.

بر اساس دیدگاه امام حوزه انقلابی در بُعد عملی نیز بایستی از مؤلفه های مهم و حیاتی برخوردار باشد تا هویت اصلی آن درست دیده شود.

نخست اینکه حوزویان انقلابی باید از روحیه خدمت گذاری به مردم برخوردار باشند و به این مهم از باب تکلیف و مسؤولیت الهی نگریسته شود و هر گاه آنان خود را تافته جدا بافته از مردم پندارند ماهیت حوزه انقلابی را مخدوش نموده اند.

روحیه ظلم ستیزی و دستگیری از مظلومان یکی دیگر از عناصر مهم حوزه انقلابی به شمار می آید و بر اساس دیدگاه امام، حوزه ای که چنین روحیه ای در آن زنده نباشد در واقع خود نیز از حیات لازم برخوردار نبوده بلکه خود دست به انتحار زده است.

برابر دیدگاه امام ماهیت چهره انقلابی حوزه ها مرهون عدم وابستگی آنها به حکومت ها و بیگانگان است و هرگاه حوزه ها متکی به حکومت ها و یا دستخوش نفوذ بیگانگان شد به هویت اصلی حوزه انقلابی لطمه جبران ناپذیری وارد ساخته و خود نیز محکوم به زوال خواهند بود.

تهذیب و خود سازی در کنار تحصیل و تعلیم نیز در ترسیم سیمای واقعی حوزه انقلابی یک امر ضروری و مهم به شمار می آید که در صورت غفلت از این مهم، حضور حوزویان با روحیه انقلابی در عرصه مبارزه و تفوق آنان بر دشمن بیرونی کار سخت و دشواری خواهد بود.

از مؤلفه متانت و پویایی بر اساس مفهوم مخالف، به این نتیجه می‌رسیم که اگر حوزه‌های علمیه از تعمق و تفقه‌عاری باشند و یا برابر نیازهای جامعه نتوانند پاسخ لازم را ارائه نمایند از ماهیت حوزه انقلابی و کارآمد بر خوردار نخواهد بود.



منابع

- ۱) نهج البلاغه
- ۲) انصاری ، حمید ، حدیث بیداری، قم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ ، ۱۳۷۳ ش
- ۳) بلخی، سید اسماعیل، دیوان بلخی، [بی جا] ارگان نشراتی سید جمال‌الدین ۱۳۶۸ ش
- ۴) جوادی آملی ، عبدالله ، ادب فنای مقربان، قم ، اسراء، چاپ هفتم ۱۳۸۹ ش
- ۵) بنیان مرصوص، قم ، اسراء، چاپ هشتم ۱۳۸۴ ش
- ۶) خمینی ، روح الله ، تفسیر سوره حمد، ولایت فقیه، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ ۱۳۸۸ ش
- ۷) جهاد اکبر ولایت فقیه، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ ۱۳۸۳ ش
- ۸) صحیفه امام، قم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم، ۱۳۸۹ ش
- ۹) وصیت نامه سیاسی - الهی، اصفهان، دفتر انتشارات دانشگاه صنعتی اصفهان، ۱۳۶۸ ش
- ۱۰) ولایت فقیه، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ ۱۳۷۲ ش
- ۱۱) قمی ، شیخ عباس، کلیات مفاتیح الجنان، قم، نشر مصطفی، چاپ چهارم ۱۳۸۰ ش
- ۱۱) کلینی ، محمد ابن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم ۱۴۰۷ ق

